

بسم الله الرحمن الرحيم  
وصلی الله علی محمد وآله  
شرح زیارت عاشورا (۹)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ  
چشم گریان به عزای تو به هر کس ندهند  
اهرمن را شرف داشتن خاتم نیست

امام صادق (علیه السلام) در گفتگویی با یکی از اصحابشان به نام اسحاق بن عمار، مصیبت واقعی را غیر از آن چیزی که ما در ظاهر مصیبت می دانیم معرفی کرده از همه ما خواسته است تا زاویه نگاهمان را به مشکلات عوض کنیم: « يَا إِسْحَاقُ لَا تَعُدَّنْ مُصِيبَةً أُعْطِيتَ عَلَيْهَا الصَّبْرَ وَ اسْتَوْجَبْتَ عَلَيْهَا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الثَّوَابَ إِنَّمَا الْمُصِيبَةُ الَّتِي يُحْرَمُ صَاحِبُهَا أَجْرَهَا وَ ثَوَابُهَا إِذَا لَمْ يَصْبِرْ عِنْدَ نُزُولِهَا. اِی اسحاق! مبادا آن مصیبتی را که هم صبرش به تو داده شده و هم ثوابش بر تو واجب گشته، مصیبت بشماری. همانا مصیبت واقعی آن است که صاحبش به جهت بی صبری در وقت نزول آن، از اجر و پاداش ناکام و بی بهره ماند. » (کافی، ج ۳، ص ۲۲۵)

### موضوع تدبیر:

با عنایت به فرمایش صادق آل محمد (ص) آیا اشک و اندوه در مصیبت باعث محرومیت از اجر و ثواب می گردد؟ چگونه می توان هنگام مصیبت به رضای خدا عمل کرد و به پاداش صابران رسید؟

### پاسخ اجمالی:

در قرآن درباره صابران می خوانیم: « وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ \* الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ \* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ. و بشارت ده به استقامت کنندگان! \* آنها که هرگاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم. \* اینها

همان ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده است؛ و آنها هدایت‌یافتگان هستند» (البقره/ ۱۵۷-۱۵۵)

باید دانست که این امر منافاتی با صبر و اطاعت خداوند هنگام نزول اسباب حزن و مصائب ندارد و غیر از جزع و فزع و بی‌تابی است که از رذائل اخلاقی شمرده می‌شود: کلینی از منصور صیقل نقل می‌کند که از اندوه شدیدی که بر اثر مرگ فرزندم به من دست داد و می‌ترسیدم در اثر آن، عظم را از دست بدهم، به امام صادق (ع) شکایت بردم که در جواب فرمود: «إِذَا أَصَابَكَ مِنْ هَذَا شَيْءٌ فَأَفِضْ مِنْ دُمُوعِكَ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ عَنْكَ-هرگاه چنین حالتی به تو دست داد، اشک بریز؛ زیرا این کار تو را آرام می‌کند» (الکافی: ج ۳ ص ۲۵۰ ح ۳)

همچنان‌که پیامبر اکرم (ص) در مرگ نزدیکان خود گریه می‌کرد. خصوصاً اینکه در فوت فرزندش، ابراهیم، گریست، چنان‌که نقل شده است: «لَمَّا مَاتَ إِبْرَاهِيمُ بَكَى النَّبِيُّ (ص) حَتَّى جَرَتْ دُمُوعُهُ عَلَى لِحْيَتِهِ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَنْهَى عَنِ الْبُكَاءِ وَ أَنْتَ تَبْكِي فَقَالَ لَيْسَ هَذَا بُكَاءً إِنَّمَا هَذَا رَحْمَةٌ وَ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ-زمانی که ابراهیم (پسر دو ساله حضرت که از ماریه قبطیه بود) از دنیا رفت، پیامبر (ص) گریه کردند. طوری که اشکهای مبارکشان بر روی محاسنشان جاری شد. کسی به حضرت گفت: ای رسول خدا شما به ما می‌گویید در مشکلات زندگی گریه نکنیم، خودت گریه می‌کنی؟! حضرت فرمودند: این، آن گریه نیست. این، ترحم است و آن کسی که رحم نکند، رحم نمی‌شود.» (بحار، ج ۲۲، ۱۵۱)

### پاسخ تفصیلی:

در شرح این فراز از زیارت عاشورا «**اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ تَنَالِهِ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَ رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ**»-خدایا مرا در این مقام که هستم از آنان قرار ده که درود و رحمت و مغفرتت شامل حال آنهاست»

به عنوان مقدمه گفته می‌شود که پیامبر (ص) در هنگام از دست رفتن عزیزی فرمودند: «تَدْمَعُ الْعَيْنُ وَ يَحْزَنُ الْقَلْبُ وَ لَا تَقُولُ مَا يُسْخِطُ الرَّبَّ-اشک جاری می‌شود و دل می‌سوزد و چیزی که برخلاف رضای خدا باشد نمی‌گوید.» (تحف العقول، ج ۲، ص ۳۷)

اما اگر مصیبت معنوی و مربوط به ارزشهای دینی باشد، دیگر مسأله از بعد عاطفی آن فراتر می‌رود؛ چنان‌که در قرآن مجید آمده است: «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ - و هرگاه آیاتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده، بشنوند، چشم‌های آنها را می‌بینی که (از شوق)، اشک می‌ریزد، به‌خاطر حقیقتی که دریافته‌اند؛ آنها می‌گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم. پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمرة یاران محمد) بنویس!» (المائدة/۸۳)

هواخواه توام جانا و می‌دانم که میدانی      که هم نادیده میبینی و هم ننوشته می‌خوانی  
ملامتگو چه دریابد میان عاشق و معشوق      نبیند چشم نابینا خصوص اسرار پنهانی

در روایات بر قرائت قرآن همراه با گریه سفارش شده است، چنان‌که رسول خدا(ص) می‌فرماید: «فَإِذَا قَرَأْتُمُوهُ بَكُّوا [فَابْكُوا] فَإِنْ لَمْ تَبْكُوا فَتَبَاكَّوْا - قرآن را بخوانید و گریه کنید و اگر گریه ندارید، تباکی کنید» (بحار، ج ۸۹، ۱۹۰)

در آیات قرآن می‌خوانیم: «وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا - آنها (بی‌اختیار) به زمین می‌افتند و گریه می‌کنند و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوع آنان می‌افزاید» (اسراء/ ۱۰۹)، «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا - آنها پیامبرانی از فرزندان آدم بودند که خداوند آنها را مشمول نعمت خود قرار داده بود و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شد، به خاک می‌افتادند، در حالی‌که سجده می‌کردند و گریان بودند.» (مریم/۵۸)

این اشک رهایت از دل خاک کند      بالت بدهد راهی افلاک کند

تو اشک غم حسین را پاک نکن      بگذار که این اشک تو را پاک کند

همانطور که می‌بینید این جایگاه و مقام برگزیدگان الهی است که دعا در آن مستجاب است؛ امام علی(ع) می‌فرماید: «بُكَاءُ الْعُيُونِ وَخَشْيَةُ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، فَإِذَا وَجَدْتُمُوهَا فَاعْتَنِمُوا الدُّعَاءَ - گریه چشم‌ها و ترس دل‌ها نشانه رحمت خدای متعال است. هرگاه این دو را در خود یافتید، دعا کردن را غنیمت

شمردید (مکارم الأخلاق: ۲/ ۹۶/ ۱۰)

از این رو این موقعیت را در زیارت عاشورا مغتنم می‌شماریم و دست به دعا  
برمی‌داریم: « **اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْ مَقَامِيْ هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَ رَحْمَةٌ وَ**  
**مَغْفِرَةٌ** »

این جایگاه چنان‌که امیر المومنین (ع) فرمود، مهبط نزول باران رحمت الهی است: «الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ- گریستن از ترس خدا، کلید رحمت است» (غیر الحکم: ۲۰۵۱) همچنان‌که از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمودند: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِیَّةٌ یَوْمَ الْقِیَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْیُنٍ عَیْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَیْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَیْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِی سَبِيلِ اللَّهِ- هر چشمی روز قیامت گریان است، مگر سه چشم: چشمی که از ترس خدا گریسته، چشمی که از محرّمات خدا پوشیده شده است و چشمی که در راه خدا شب را به بیداری به سر برده است» (من لا یحضره الفقیه، جلد ۱، صفحه ۳۱۸)

امام سجّاد (ع) به پیشگاه معبود و محبوب می‌فرماید: «وَمَا لِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي... أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِی، أَبْكِي لِضِيقِ لَحْدِي، أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّائِي، أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِی عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلَى ظَهْرِي-چرا نگریم در صورتی که نمی‌دانم فرجام من چگونه است؟!... می‌گیریم بر آن حالتی که روح و روانم از بدنم خارج می‌شود. می‌گیریم برای تاریکی قبرم. می‌گیریم برای تنگی لحدم. می‌گیریم برای پرسش دو ملک الهی؛ نکیر و منکر. می‌گیریم برای آن هنگامی که عریان، ذلیل و با باری از گناه از قبر خارج می‌شوم» (مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی)

و از آنجا که ولایت جان و حقیقت همه عبادات است، از میان گریه‌های ارزشی که دارای مراتب و درجاتی است، بهترین آنها اشکی است که بر ابا عبدالله (ع) ریخته می‌شود؛ زیرا در بر گیرنده تمام خصوصیات گریه‌های دیگر است.

بریز اشک که ماه عزاست یابن شبيب  
برای ما همه جا کریلاست یابن شبيب

امام صادق(ع) فرمودند: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَنَا الْمُعْتَمِّ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لِأَمْرِنَا عِبَادَةٌ - نَفْسُ كَسَى كَهْ بِرَأَى مَظْلُومِيَّتْ مَا اِنْدُوْهَغِيْن شُوْد، تَسْبِيْح وَ اِنْدُوْهْ اَوْ بِهْ خَاطِرْ مَا عِبَادَتْ اِسْت» (الوافى، جلد ۵ ، صفحه ۷۰۴)

در دعای ندبه می‌خوانیم: «فَعَلَى الْأَطَايِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا فَلْيَبْكِي الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْيَنْدْرِفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرِخِ الصَّارِخُونَ، وَيَضِجِ الضَّاجُونَ، وَيَعِجِ الْعَاجُونَ...» پس شیعیان آل محمد (ص) باید بر پاکان اهل بیت پیامبر و علی - که درود الهی بر آنان و دودمانشان باد - اشک از دیدگان ببارند و ناله و زاری و ضجه و شیون از دل برکشند» (مفاتیح الجنان، دعای ندبه)

شیخ جلیل جعفر بن قولویه در کامل از ابن خارجه روایت کرده است: روزی در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم و امام حسین علیه السلام را یاد کرده و از او نام بردیم. حضرت صادق علیه السلام بسیار گریستند و ما نیز به تبع ایشان گریستیم. پس حضرت صادق علیه السلام فرمودند که امام حسین علیه السلام می‌فرمود من کشته گریه و زاری (اشکم) هستم نام من در نزد هیچ مؤمنی برده نمی‌شود مگر آن که محزون و گریان می‌شود. امام حسین (علیه السلام) با جمله: «انا قتیل العبرة» می‌خواهد بگوید: من کشته شدم تا با گریستن در مظلومیت و مصائب من، صفت رحمت شکوفا گردد و رحمت الهی شامل حال امت گردد. زلال اشک بر مظلوم، گرد و غبار گناهان و آلودگی‌ها و سنگ دلی‌ها را از صحن و سرای دل می‌شوید. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَ خَصَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِالرَّحْمَةِ ... وَ مَا بِكِي أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَ لِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ، فَإِذَا سَالَتْ دُمُوعُهُ فِي خَدِّهِ، فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ، لَأُطْفِئَتْ حَرًّا حَتَّى لَا يُوجَدَ لَهَا حَرٌّ - ستایش مخصوص خداوندی است که ما را با رحمت خود بر مخلوقات برتری داد و رحمت خود را مخصوص ما اهل بیت گردانید ... هر کس از روی رحمت بر ما و برای آن چه به ما رسیده، بگرید، پیش از روان شدن اشکش، مورد رحمت الهی قرار می‌گیرد و اگر قطره‌ای از اشکش در جهنم بیفتد، چنان آتش آن را خاموش می‌کند که گرمایی برای آن باقی نمی‌ماند» (کامل الزیارات، باب ۳۲، ص ۱۰۱)

تا دریای رحمت الهی کسی را در بر نگیرد، گوهر گران بهای اشک روزی اش نمی‌شود و افشاندن درّ یتیم اشک، بر خاندان پیامبر - صلی الله علیه و آله - که بهترین خلق خدایند، چنان سیل رحمت حق را جاری می‌سازد که از آتش جهنم که ظهور قهر و غضب خداوند است، نشان و اثری باقی نمی‌ماند.

## شام غریبان حسین

به یاد آن ساعتی که عمه سادات زینب آمد قتلگاه صدازد: برادر می خواهم صورتت را ببوسم اما سر در بدن نداری ، یک وقت دختر علی خم شد لبها را گذاشت بر رگهای بریده با سوز دل حسین را صدا زد ، همین طور که با بدن برادر حرف می زد ، سکینه نازدانه آمد جلوی عمه ، دید عمه اش یک بدن بی سر را بغل گرفته دارد گفتگو می کند تا این منظره را دید صدا زد : «عَمَّتِی هَذَا نَعَشُ مَنْ؟» این بدن کیه داری با او حرف می زنی ؟ فرمود : «نَعَشُ أَبِیکِ الْحُسَینِ » سکینه جان این بدن بابایت حسین ، خودش را انداخت روی بدن بابا ، نگفت بابا مرا تازیانه می زنند ، نگفت تشنه ام ، صدا زد : بابا پاشو دارند عمه ام را می زنند ، آی گریه کننده های امام حسین ، شما دیدید اگر کسی عزیزی از دست بدهد اگر زن باشد زنها می آیند او را با عزت از کنار بدن عزیزش دور می کنند دلداری می دهند ، اما دختر ابی عبدالله را با تازیانه از کنار بدن بابا جدا کردند.

|                                |                                    |
|--------------------------------|------------------------------------|
| امشب که شب شام غریبان حسین است | با فاطمه هم ناله یتیمان حسین است   |
| از خیمه رود سوی شما شعله آتش   | سوزان دل طفلان پریشان حسین است     |
| یا رب به سر سید سجاد چه آمد    | در خیمه سرا آن گل بوستان حسین است  |
| گلها شده پرپر زدم نیزه و خنجر  | بر روی زمین پیکر عریان حسین است    |
| در آن صحرا چه کند زینب کبری    | بی یار و معین خواهر گریان حسین است |
| ای کربلا اهل حرم را تو خبر کن  | زهر ز جنان آمده میهمان حسین است    |

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة